



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

DOI: 10.22067/social.2022.72848.1091
مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

فهم ابعاد جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی در حاشیه شهر مشهد: (مطالعه موردی محله قلعه خیابان مشهد)

احمد رضائی فرخ (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

ahmad.ramezani60@gmail.com

حسین اکبری (دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

h-akbari@um.ac.ir

مجید فولادیان (دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

fouladiyan@um.ac.ir

میثم موسایی (استاد گروه برنامه‌ریزی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

mousaei@ut.ac.ir

چکیده

اقتصاد غیررسمی نمودی از تحولات جهان سرمایه‌داری است که بخش مهمی از اقتصاد را در شهرها تشکیل می‌دهد. هدف اصلی این پژوهش شناسایی و فهم ابعاد جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی در حاشیه شهر مشهد بوده است. به منظور دستیابی به این هدف، ابتدا ضمن شناسایی مشاغل غیررسمی در محله قلعه خیابان به طبقه‌بندی و توصیف مشاغل غیررسمی اقدام شد. برای دستیابی به این یافته، از روش تحقیق کیفی و تکنیک‌های مشاهده و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۷ نفر در چارچوب نمونه‌گیری نظری بهره گرفته‌ایم. جامعه آماری این پژوهش ساکنان، کسبه، اعضای شورای اجتماعی محلات و نخبگان محله‌ای بودند که در بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در محله قلعه خیابان مشهد سکونت داشتند. همچنین ما برای فهم ابعاد جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی از تکنیک مصاحبه گروه کانونی (گروه ۱۶ نفر از خبرگان محلی) استفاده کردیم. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش

مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۲۲۷-۲۶۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱ تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۷/۲۸

حاکی از آن است که در محله قلعه‌خیابان ۸۴ شغل در حوزه غیررسمی اقتصاد فعال است که در ۲۱ رسته شغلی قرار می‌گیرند. فهم ابعاد جامعه‌شناختی مشاغل غیررسمی نشان داد برپایه هشت متغیر شامل تداوم بخشی به فقر، حضور زنان و کودکان، منزلت اجتماعی، پردشدگی اجتماعی، خاص‌گرایی شغلی، سلامت اجتماعی، ناپایداری شغلی و احساس بی‌قدرتی منتج شده از مصاحبه‌های محقق با گروه کانونی و منطبق بر رویکرد نظری این تحقیق، می‌توان مشاغل اقتصاد غیررسمی را تحلیل کیفی کرد؛ به گونه‌ای که براساس کمیت ارائه شده برای این متغیرها با استفاده از تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای، مشاغل شناسایی شده در این محله در قالب دو گونه اصلی مشاغل غیررسمی و مشاغل شبه‌رسمی نوع‌شناسی شدند.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد غیررسمی، مشاغل غیررسمی، قلعه‌خیابان، تحلیل عاملی، تحلیل

خوشه‌ای.

۱. مقدمه

رشد روزافزون شهرها در تمامی کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه به‌همراه الگوهای توسعه نابرابر از یک سو و از سوی دیگر وضعیت محیطی و اقلیمی و متغیرهای اجتماعی و فرهنگی، زمینه وقوع مهاجرت‌های گسترده از مناطق کمتربرخوردار روستایی به شهرهای دارای جاذبه را فراهم کرده است (نقدی، روئین‌تن، حقیریان، شاهرخ و خانین، ۱۴۰۰، ص. ۲۵۰). شهرهای این کشورها ظرفیت و توانایی جذب و مدیریت فضایی و اقتصادی این حجم از مهاجران را در مدتی اندک ندارند؛ بنابراین به دلایل ذکر شده سکونتگاه‌های غیررسمی به‌عنوان پدیده‌ای شهری در کشورهای مختلف جهان و از جمله ایران شکل گرفته‌اند و گسترش یافته‌اند. علاوه بر این، رشد نامتوازن اقتصاد شهری به‌تبع این گسترش جمعیت در این مناطق سبب افزایش تضاد طبقاتی در شهرها شده است که پیامدهای آن پدیده‌ای موسوم به فقر شهری است. امروزه تلاش برای رهایی از فقر اقتصادی در کنار ناتوانی اقتصاد رسمی در پاسخگویی به نیاز گسترده عرضه نیروی کار، پدیده اشتغال

در بخش غیررسمی اقتصاد را در فضای کلان‌شهرها به‌عنوان یک مسئله اجتماعی شهری مطرح کرده است (احمدی و حامد، ۱۳۹۹).

شهر مشهد به دلیل داشتن ویژگی‌های مذهبی، صنعتی و تمرکزگرایی منابع اقتصادی، بهداشتی، فرهنگی، سیاسی در مقایسه با سایر شهرها، همواره به‌عنوان مقصدی جذاب مورد توجه مهاجران بوده است. در دهه‌های گذشته سیل مهاجرت به شهر مشهد به‌همراه نبود برنامه‌ریزی در مدیریت شهری، سبب گسترش فضاهای سکونتگاه‌های غیررسمی در این شهر شده است.

جدول ۱- جمعیت و مساحت حاشیه‌نشینان در مشهد

منبع: آمار اطلس شهر مشهد ۱۴۰۰

سال	وسعت شهر مشهد (کیلومتر مربع)	وسعت حاشیه شهر (کیلومتر مربع)	نسبت وسعت حاشیه شهر به کل وسعت شهری (درصد)	جمعیت شهر مشهد (نفر)	جمعیت حاشیه شهر مشهد (نفر)	درصد جمعیت حاشیه به شهر (درصد)
۱۳۵۵	۷۸	۸/۵	۱۰	۶۶۷،۷۷۰	۴۶،۲۶۲	۷
۱۳۶۵	۲۰۱	-	-	۱،۴۶۳،۵۰۸	۷۴،۸۹۴	۵
۱۳۷۵	۲۰۳	-	-	۱،۸۹۱،۵۱۸	۱۴۸،۹۵۸	۸
۱۳۸۵	۲۵۷	۲۷/۵	۱۱	۲،۴۲۷،۲۹۱	۴۷۸،۹۹۴	۲۰
۱۳۹۰	۳۲۸	۳۸/۹	۱۲	۲،۷۷۲،۲۸۷	۸۸۳،۴۸۵	۳۲
۱۳۹۵	۳۵۱	۳۸/۹	۱۱	۳،۰۶۲،۲۴۲	۱،۱۹۳،۱۹۶	۳۹

مطابق با یافته‌های جدول ۱، در فاصله سرشماری نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۹۵ جمعیت حاشیه شهر مشهد در یک دوره‌ای سی‌ساله تقریباً ۱۶ برابر شده است؛ درحالی‌که جمعیت شهری در طول این دوره تقریباً دو برابر شده است. جمعیت حاشیه‌نشین براساس آمار سرشماری نفوس مسکن سال ۱۳۹۵، ۱،۱۹۳،۱۹۶ نفر برآورد می‌شود که مانند کمربندی دور تا دور شهر مشهد را در بخش‌های شمال، شمال شرق و شمال غرب در هشت

پهنه و ۶۶ محله شهری به وسعت ۳۸۹۴ هکتار فراگرفته است (آمارنامه حاشیه شهر مشهد، ۱۳۹۹). یکی از دغدغه‌هایی که در حوزه حاشیه‌نشینی وجود دارد، نحوه بازتولید و تداوم سکونت حاشیه‌نشین است که بیشترین ارتباط با اشتغال در بخش غیررسمی اقتصاد دارد. آمارهای اقتصادی سال ۱۳۹۸ در شهر مشهد حاکی از آن است که نرخ مشارکت اقتصادی^۱ ۴۷/۲۵، نرخ اشتغال ناقص^۲ ۱۳/۳۲ و نرخ بیکاری ۸/۴ است؛ به عبارتی در این شهر ۱۱۰،۳۹۳ نفر (۸۰،۴۵۰ مرد و ۲۹،۹۴۳ زن) به صورت رسمی بیکار هستند؛ بنابراین با توجه گستردگی جمعیت حاشیه‌نشین در شهر مشهد و آمارهای معرفی‌شده، تلاش برای رهایی از فقر اقتصادی و بیکاری، پدیده اشتغال در بخش غیررسمی را در شهر مشهد بسیار برجسته کرده است؛ به طوری که وجود بیش از ۵،۳۰۰ دست‌فروش مجوزدار^۳، ۶۲،۰۰۰ کارگر ساختمانی ثبت‌شده^۴، ۷۶۹،۷۴۲ نفر زن خانه‌دار^۵ و بیش از ۴۷۰۰ نفر متکدی^۶ خود مبین این موضوع مهم است؛ هرچند نباید از عوامل کلان اقتصادی در طی سال‌های گذشته همچون نوسانات ارزی، تحریم، تورم، تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی و تأثیر آن بر گسترش اقتصاد غیررسمی در کلان‌شهر مشهد غافل ماند.

بنابراین هدف پژوهش حاضر شناسایی و فهم ابعاد اقتصاد غیررسمی در حاشیه شهر مشهد می‌باشد، لذا مطالعه حاضر در راستای پاسخگویی به این سوال شکل گرفته است که چه انواعی از اقتصاد غیررسمی در حاشیه شهر مشهد شکل گرفته است و چگونه می‌توان ابزاری برای فهم ابعاد جامعه‌شناختی این پدیده اقتصادی ارائه کرد؟

۱. درصد جمعیت دارای درآمد به کل جمعیت بیشتر از ۱۵ سال

۲. کسانی که کمتر از ۴۴ ساعت کار کرده‌اند.

۳. آمار ثبت‌شده سازمان میادین شهرداری مشهد در سال ۱۳۹۸

۴. آمار ثبت‌شده سازمان میادین شهرداری مشهد در سال ۱۳۹۹

۵. آمار سرشماری نفوس مسکن در سال ۱۳۹۵

۶. آمار دستگیرشدگان سازمان اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۳۹۹

۲. مبانی نظری تحقیق

۱. پیشینه تحقیق

مرور پیشینه تجربی نشان می‌دهد (جدول ۲) پژوهش‌های انجام‌شده درباره اقتصاد غیررسمی را می‌توان به چهار دسته طبقه‌بندی کرد: الف- برخی پژوهش‌ها با رویکرد کلان اقتصادی و اقتصادسنجی، حجم اقتصاد غیررسمی را اندازه‌گیری کرده‌اند، ب- برخی پژوهش‌ها نیز به بررسی عوامل شکل‌گیری و گسترش اقتصاد غیررسمی پرداخته‌اند، ج- در دسته سوم، پژوهش‌ها به بررسی و سنجش اثرات اقتصاد غیررسمی بر متغیرهای مختلف پرداخته‌اند و د- دسته آخر شامل مطالعاتی می‌شود که به تحلیل وضعیت شاغلان بخش اقتصادی پرداخته‌اند.

جدول ۲- پیشینه تجربی تحقیق

محور پژوهش‌ها	محققان سال اجراء	روش تحقیق	مهمترین نتایج
برآورد حجم اقتصاد غیررسمی	اشنایدر، بوهن و مونته نگر و (۲۰۰۷)	علل چندگانه	تولید سرانه، شاخص آزادی، فساد ارتباط معنادار با حجم اقتصاد زیر زمینی دارد.
	مدینا و اشنايدر (۲۰۱۷)	علل چندگانه	افزایش بار مالیاتی، پرداخت تأمین اجتماعی، سخت گیرانه بودن قوانین بازار کار بر روی اقتصاد غیر رسمی مؤثرند.
	خانزادی و دل‌انگیزان (۱۳۹۹)	علل چندگانه	نرخ بیکاری، مالیات، تورم، تولید ناخالص داخلی، حجم دولت، متغیرهای مؤثر بر اقتصاد زیرزمینی در استان کرمانشاه در دوره زمانی مورد بررسی است.
	مطلبی، علیزاده و فرجی (۱۳۹۸)	رگرسیون	متغیرهای بار مالیات بر واردات، درآمد حاصل از منابع طبیعی، نرخ بیکاری، نرخ تورم، کسری بودجه علت به وجود آمدن اقتصاد غیر رسمی در کشور هستند.
عوامل شکل‌گیری	فراحتی (۱۳۹۹)	رگرسیون	جایگزینی مالیات بر ثروت برای مالیات بر درآمد، مالیات بر کالا و خدمات، مالیات بر شرکت‌ها یا مالیات بر واردات اندازه

محور پژوهش‌ها	محققان سال اجراء	روش تحقیق	مهمترین نتایج
و گسترش اقتصاد غیررسمی			اقتصاد سایه را کاهش می‌دهد.
	شوهانی (۱۳۹۸)	پیمایش	فقدان سرمایه کافی و تحصیلات مناسب، مهاجرت های روستا- شهری نقش بسزایی در گسترش و ایجاد این بخش از اقتصاد دارند. محل سکونت شاغلان بخش اقتصاد غیر رسمی در حاشیه شهر و بخش فقیر نشین شهر است.
اثرات اقتصاد غیررسمی	صدر موسوی، پورمحمدی و ظفری (۱۳۹۵)	پیمایش	فقدان سرمایه کافی، تحصیلات مناسب، مهاجرت روستا- شهری سبب ایجاد اقتصاد غیررسمی شده است.
	آقاجری، زراء نژاد و اکبرزاده (۱۳۹۷)	روش داده های ترکیبی	اثر منفی اقتصاد زیر زمینی، افزایش نابرابری در توزیع درآمد و سطح توسعه اجتماعی است.
اثرات اقتصاد غیررسمی	کریمی موغاری، زورکی و احمدی (۱۳۹۷)	تحلیل داده	یکی از مهم ترین آثار اقتصاد غیر رسمی، از دست رفتن منابع سازمان تأمین اجتماعی و ورشکستگی این سازمان است.
	اشنایدر و مدینا (۲۰۱۸)	پیمایش	مالیات، میزان فراغت و عرضه نیروی کار با اشتغال در اقتصاد غیررسمی رابطه دارد.
	نسترن، ربیعی و عبدخدا (۱۳۹۸)	پیمایش	در مناطقی که تمرکز اشتغال غیررسمی در (محدوده مرکزی) بیشتر است، در مقایسه با محدوده پیرامونی، ناپایداری اجتماعی شدیدتر است.
تحلیل وضعیت شاغلان اقتصاد غیررسمی	کریمی موغاری و زورکی (۱۳۹۷)	پیمایش	افزایش سن، تحصیلات و متأهل بودن اشتغال غیر رسمی را کاهش می‌دهند.
	جعفری، ذکایی، زاهدی اصل و مؤمنی (۱۳۹۹)	کیفی (گراند تئوری)	اشتغال غیر رسمی نوعی سازو کار بقا گرایانه به شمار می‌رود و کارگران زن با سرمایه تهی و تجربه کاستی قدرتی در چهارگانه حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و روانشناختی وارد این گسترده شده در آن می‌مانند یا از آن خروج می‌یابند.
	پرفرا، بور و فورکورسانچز مورال (۲۰۱۹)	پیمایش	شاغلان زن مشاغل غیررسمی با کمبود مشتری، نبود توانایی در پرداخت بدهی، منابع مالی، کمبود تجهیزات سرمایه و چالش های قانونی روبه‌رو هستند.
	هنلی و اربشیانی (۲۰۰۹)	پیمایش	سطح پایین سواد، ضعف سیستم های حمایتی اجتماعی، امنیت شغلی در گسترش اشتغال غیر رسمی مؤثر است.

مرور پیشینه نشان می‌دهد که با وجود گستردگی اقتصاد غیررسمی و پیچیدگی‌هایش، پژوهش علمی کمی نسبت به تحلیل جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی در محلات شهری صورت گرفته است و عمده جهت‌گیری پژوهش‌ها در ایران به سمت مشاغل غیررسمی آشکار مانند دست‌فروشی، کارگران ساختمانی و... بوده است و به گستردگی فعالیت‌های اقتصاد غیررسمی توجه نشده است. همچنین برآیند یافته‌های پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد مالیات، نرخ تورم، نرخ بیکاری، فقر، سطح سواد، قوانین دولتی و سیاست‌های حمایت اجتماعی پرکاربردترین متغیرهای تأثیرگذار و تأثیرپذیر بر اقتصاد غیررسمی بوده‌اند؛ یافته‌هایی که بیشتر با تأکید بر روش‌های کمی برپایه مدل‌سازی و مستخرج از اطلاعات و داده‌های ثبتي به دست آمده است و به بررسی رفتارها، فهم ذهنی، زمینه‌های اجتماعی و ابعاد جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی کمتر توجه شده است. در این پژوهش کوشش شده است با بهره‌گیری از روش کیفی و استفاده ترکیبی از چند تکنیک جمع‌آوری داده شامل مشاهده، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و گروه کانونی، ضمن شناسایی همه مشاغل آشکار و پنهان، این فعالیت‌های اقتصاد غیررسمی در ابعاد جامعه‌شناختی واکاری شود.

۲.۲. چارچوب نظری تحقیق

امروزه اغلب صاحب‌نظران بخش غیررسمی را جدای از کل سیستم اقتصاد و در مقابل بخش رسمی نمی‌دانند؛ بلکه پیدایش و توسعه این بخش را ناشی از افزایش تنوع و گوناگونی سیستم اقتصادی به حساب می‌آورند که توان پایداری و دوام سیستم را افزایش می‌دهد. نتایج مطالعه ویلیامز و ویندبانک^۱ (۱۹۹۸) نیز نشان داده است که بخش غیررسمی در مواقع بحرانی که اقتصاد جامعه‌ای با مشکلات عمیق و پیچیده همچون فقر، بیکاری، کمبود اشتغال و درآمد و نابرابری فرصت‌ها روبه‌رو می‌شود، همچون یک عامل

1. William & Windebank

تخفیف‌دهنده و تسکین‌دهنده عمل می‌کند و بخشی از فشار ناشی از بحران‌های بیکاری، کمبود اشتغال و درآمد را کاهش می‌دهد.

اقتصاد غیررسمی با عبارات دیگری چون اقتصاد زیرزمینی^۱، سایه‌ای^۲، سیاه^۳، خاکستری^۴، پنهان^۵، مشاهده‌ناپذیر^۶، نامنظم^۷، غیرقانونی^۸، و... یاد می‌شود؛ به طوری که صاحب‌نظران این عرصه همواره در تعاریف خود از اقتصاد غیررسمی به‌عنوانی مفهومی گسترده (هنلی، عربشیبانی و کارینو^۹، ۲۰۰۹، ص. ۹۹۲)، مبهم (نادران و صدیقی، ۱۳۸۷)، رنگارنگ، شناور و به‌طور مستمر در حال تغییر (دانیلز^{۱۰}، ۲۰۰۴)، دشوار و پوشیده (اشنایدر و کرنی^{۱۱}، ۲۰۱۳، ص. ۳۸) نام می‌برند.

اصلاح بخش غیررسمی اقتصاد برای اولین بار در سال ۱۹۷۲ توسط کیت هارت مطرح گردید، ولی ریشه آن به سیاست‌های توسعه‌ای در دهه قبل (۱۹۶۰) در کشورهای جهان سوم برمی‌گردد. در این کشورها مهاجرت روستاییان به شهرها و نبود ظرفیت لازم برای جذب این افراد در مراکز صنعتی موجود در شهرها سبب شد تا بسیاری از این افراد به‌سمت فعالیت‌های غیررسمی کشیده شوند (بنگاسر^{۱۲}، ۲۰۰۰، ص. ۴).

فایگ از جمله صاحب‌نظرانی است که در تعریفی که از اقتصاد غیررسمی ارائه کرده است، آن را به چهار دسته تقسیم می‌کند: غیرقانونی، گزارش‌نشده، ثبت‌نشده و غیررسمی

1. Underground
2. Shadow
3. Black
4. Grey
5. Hidden
6. Unobserved
7. Irregular
8. Illicit
9. Hendly, Arabsheibani & Carneiro
10. Daniles
11. Schneider & Kearney
12. Bengaser

(فایگ^۱، ۱۹۹۷). توماس^۲ در تقسیم‌بندی خود از اقتصاد غیررسمی، از دو معیار قانونی بودن و مبادله در بازار استفاده کرده است. براساس تقسیم‌بندی او، اقتصاد غیررسمی به چهار بخش خانوار، بخش غیررسمی، بخش نامنظم و بخش غیر قانونی تقسیم می‌شود (توماس، ۱۹۹۲). هرچند تعریف جامعی درباره اقتصاد غیررسمی ارائه نشده است، در این بخش با استفاده از مرور نظام‌مند مبانی نظری، مرزهای تعاریف مطرح‌شده در باب اقتصاد غیررسمی را بررسی نموده و پس از شناسایی متغیرها، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی ۹ گانه‌ای را استخراج کرده‌ایم که صاحب‌نظران در متون و اسناد پژوهشی مطرح کرده‌اند. شاخص‌های (نبود مجوزات قانونی، غیر ثبتي بودن، پرداخت نشدن مالیات، نداشتن قرارداد رسمی، محرومیت از خدمات بیمه‌ای، محرومیت از کمک‌ها و مزایایی دولتی، فعالیت دارای ارزش افزوده مالی، تمرکز کار بر نیروی انسانی، مکانیزه معاش) تمایز دهنده مشاغل رسمی از غیررسمی می‌باشند.

در پژوهش‌های کیفی از اصطلاح چارچوب مفهومی و رویکرد نظری برای اشاره به مجموعه مفاهیم مرتبط استفاده می‌شود (پاتن^۳، ۲۰۰۱) و به تئوری مدون و فرضیه اولیه نیاز نیست (استروس و کریبن، ۱۳۸۵)؛ بلکه نیازمند اتخاذ رویکرد نظری و چارچوب مفهومی دقیقی است که در مراحل تدوین سؤال‌های تحقیق و جمع‌آوری داده‌ها راهگشای محقق باشد؛ از این رو رویکرد نظری اتخاذشده در پژوهش حاضر بر مبنای نظریه‌های اقتصادی و جامعه‌شناسی، بر دو رویکرد سطح خرد، سطح کلان بنا شده است.

۱.۲.۲. رویکرد نظری خرد به اقتصاد غیررسمی

این نظریه‌پردازان، اقتصاد غیررسمی را در دیدگاه کنشگرانی عاقل و محاسبه‌گر در نظر می‌گیرند که به دنبال حداکثر رساندن منافع و به حداقل رساندن هزینه‌ها می‌باشند.

1. Fige
2. Thomas
3. Patton

نظریه پردازان دیدگاه انتخاب عقلانی^۱، مطلوبیت گرایی، فردگرایی نسبت گرایانه و اقتصاد جرم در این محور قرار می گیرند.

ریمون بودن معتقد است که کنشگران اگر تصور کنند با یکدیگر برابرند، دست به انتخاب عقلانی می زنند؛ در صورتی که کنشگران از طبقات مختلف‌اند و در الگوهای رفتاری با یکدیگر متفاوت هستند، به صورتی که اراده، نفع فردی و به حداکثر رساندن سود تعاریف متفاوتی در بین کنشگران دارد (جوادی یگانه، ۱۳۸۷). جیمز کلمن نقطه شروع نظریه اجتماعی را نفع شخصی بر می شمارد. او معتقد است کنشگران به دنبال نفع فردی‌اند و به گونه‌ای عمل می کنند که گویی می خواهند سود حاصل از منابع و وقایع را به حداکثر برسانند (مطلبی و علیزاده، ۱۳۹۸). جان هرسانی در نظریه فردگرایی نسبت گرایانه معتقد است کنشگر در انتخاب خود، به منظور حداکثر سازی نفع خود، ابتدا به صورت حداکثر سازی مطلوبیت و سپس به صورت حداکثر سازی ترجیحات گروهی اقدام می کند (آقاجری، زراءنژاد و اکبرزاده، ۱۳۹۷). بکر نیز در نظریه اقتصاد جرم معتقد است که کنشگران زمانی که پاداش مادی و غیرمادی بیشتری نسبت به کار قانونی دریافت کنند، دست به رفتار مجرمانه می زنند.

در چارچوب رویکرد خرد نظریه پردازان از قبیل گرانوویتز^۲، ولمن^۳، لین^۴ و بارت^۵ به شبکه ارتباطات و پیوندهای اجتماعی کنشگر و تأثیرگذاری بر انتخاب کنشگران اشاره داشته‌اند (فاطمی امین، ۱۳۹۷). بورديو در تئوری سرمایه اجتماعی خود معتقد است که کنشگران از طریق شبکه‌ها، به اشخاص اطلاعات و اعتبار اعطاء می کند و این‌ها به سهم خود باعث دسترسی به فرصت‌های شغلی می شوند. اسکار لوئیس نیز در نظریه خود فقر را نتیجه الگوهای ارزشی و رفتاری خاص طبقه پایین و نبود انگیزه و توانایی افراد برمی شمارد که از

-
1. Rational choice theory
 2. Granovetter
 3. Wellman
 4. Lin
 5. Burt

طریق خانواده از نسلی به نسل بعدی منتقل می‌شود (جعفری مهرآبادی و محمدزاده، ۱۳۹۴).

۲.۲.۲. رویکرد کلان به اقتصاد غیر رسمی

دیدگاه‌های کلان دارای رهیافتی ساختاری و کلان هستند و بر تأثیر الزام‌آور ساختارها بر کنشگران فردی در سطح خرد تأکید دارند. طرفداران این رویکرد بیشتر تأکید را بر ساختارها و نهادها دولتی دارند و اقتصاد غیررسمی را زاییده عملکرد ساختارها و نهادها کلان قلمداد می‌کنند (احمدی و حامد، ۱۳۹۹).

نظریه پردازان کارکردگرایی ساختاری معتقدند که هر جامعه‌ای به دنبال تعادل و نظم است و متناسب با سطح توسعه و پیشرفت خود برحسب توانایی‌های اقتصادی و ظرفیت‌های تولید، میزان خاصی از شهروندان را در اقتصاد رسمی جذب می‌کند و سایر افراد در سایر بخش‌های اقتصاد غیررسمی به اشتغال مشغول هستند (جعفری مهرآبادی و محمدزاده، ۱۳۹۴). نظریه پردازان دیدگاه کارکردگرا نیز بر این اعتقادند که نابرابری در پایگاه‌ها به شایستگی افراد و فرصت‌های زندگی بستگی دارد. چنانچه افراد به آسانی ترغیب شوند، می‌توانند شغل متناسب با پایگاه و منزلت خود را به دست آورند (احمدی و حامد، ۱۳۹۹، ص. ۱۸۳).

ایلور، والتون، اسپیتز^۱ از جمله نظریه پردازان مارکسیستی هستند که بر کشمکش اجتماعی ناشی از نابرابری اقتصادی تمرکز دارند. صاحب نظران این دیدگاه ساخت اجتماعی جامعه را مسئول محرومیت و فقر تهیدستان و مانع دسترسی آن‌ها به امکانات و منابع جامعه برمی‌شمارند (ابریشمی، ۱۳۸۵). پورتز^۲ و والتون^۳ نیز در چارچوب نظریه تضاد بر این اعتقادند که نظام سرمایه‌داری برای تأمین خدمات ارزان قیمت اجتماعات فقیر، بخش غیررسمی اقتصاد را به وجود آورده است تا ضمن تأمین نیروی کار ارزان نظام سرمایه‌داری

1. Elver, Walton & Spitz

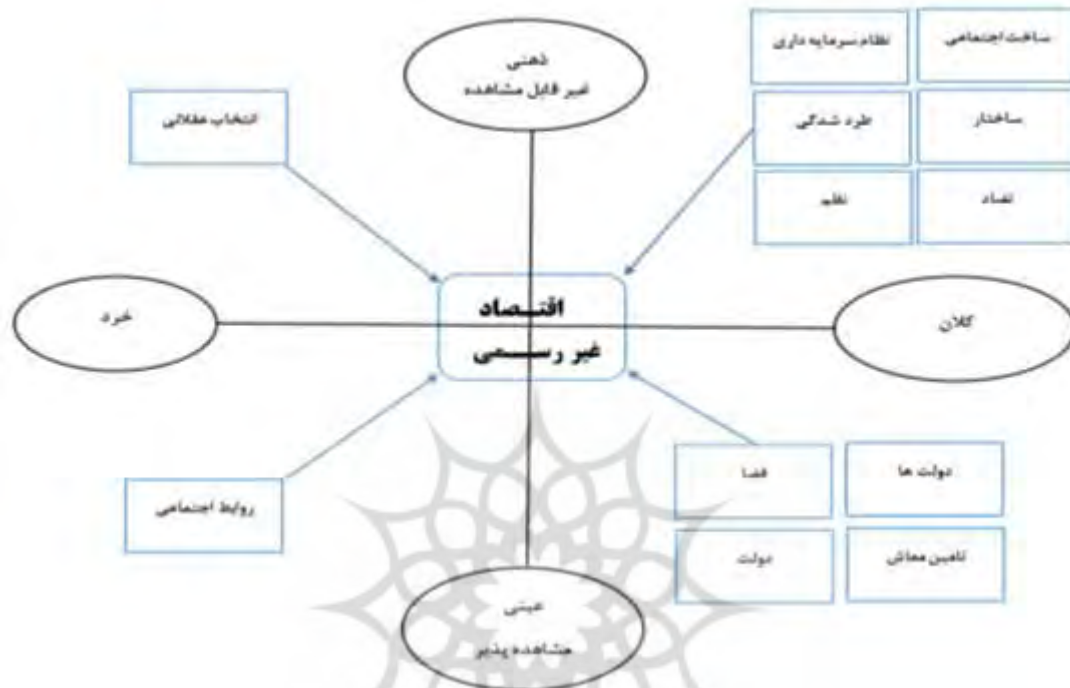
2. Portes

3. Walton

ثبات سیاسی خود را تضمین کند (مدینا و اشنایدر، ۲۰۱۷، ص. ۲۵۱). کافمن^۱ از طرفداران دیدگاه لیبرالیسم دخالت سیاستمداران و نظام بروکراسی در عرصه فعالیت اقتصادی را مهم‌ترین عامل در گسترش بخش غیر رسمی در جامعه می‌داند (جعفری مهرآبادی و محمدزاده، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۳). اندیشمندان نئولیبرالیسم بخش غیر رسمی اقتصاد مکمل اقتصاد رسمی است که در ایجاد درآمد به‌ویژه برای اقشار فرودست نقش مهمی برعهده دارد. و تخفیف دهنده فقر شهری به شمار می‌آید.

جمع‌بندی رویکرد نظری مدنظر در پژوهش حاضر مطابق با شکل ۱ است. این نمودار نشان می‌دهد، اقتصاد غیر رسمی را به‌عنوان پدیده‌ای برنامه‌ریزی نشده می‌توان ناشی از تأثیر عناصر کلان و خرد دانست که در ارتباط با کنشگر به‌صورت ذهنی و عینی سبب شکل‌گیری رفتاری شده است که در یک بستر اجتماعی خاص به‌عنوان رفتار مطلوب/قانونی یا غیرمطلوب/غیرقانونی از آن یاد می‌کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱- رویکرد نظری تحلیلی اقتصاد غیررسمی

۳. روش تحقیق

از آنجا که ویژگی‌های موضوع و ماهیت پرسش تحقیق، تعیین‌کننده تناسب بین یکی از روش‌های تحقیق با پژوهش مورد نظر است، برای شناسایی و فهم ابعاد جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی در دو مرحله از روش تحقیق کیفی استفاده شده است؛ به گونه‌ای که با ورود به میدان تحقیق و با استفاده از تکنیک‌های مشاهده میدانی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و مصاحبه گروه کانونی با افراد دارای اطلاعات، داده‌های مدنظر در راستای پاسخ به سؤالات این تحقیق را جمع‌آوری کردیم. علت انتخاب روش کیفی در مطالعه حاضر آن بود که موضوع فهم ابعاد جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی موضوعی است که در جامعه ایران کمتر

به آن پرداخته شده و هنوز ناشناخته‌های فراوانی در مورد آن وجود دارد. همچنین درک بهتر مسئله، استنتاج‌های معتبر و مبتنی بر داده‌های میدانی و تولید دانش و بینش جدید، دومین دلیل استفاده ما از این روش بوده است.

در این پژوهش به منظور دستیابی به هدف اول (شناسایی مشاغل فعال اقتصاد غیررسمی در محله قلعه خیابان) و در راستای تدوین مصاحبه نیمه ساختاریافته، ضمن مرور نظریه‌ها و رویکرد نظری تحقیق و بر پایه تعاریف و اصلاحات به کار رفته توسط صاحب نظران، شاخص‌های نه‌گانه‌ای برای تمایز مشاغل رسمی از غیررسمی احصاء شد و پس از ورود به محیط تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی ۲۷ نفر از ساکنان، کسبه، افراد دارای اطلاعات (نمایندگان شورای محلات، پاکبانان، مسئولین محلی، طلاب و فعالان بسیج) که در بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در محله قلعه خیابان ساکن بودند (جدول ۳)، برای مصاحبه برگزیدیم تا داده‌های ما به مرحله اشباع نظری رسید. در این مرحله به منظور تعیین روایی سؤالات مصاحبه، از روایی محتوایی استفاده شد که طی آن سؤالات مصاحبه به تأیید نخبگان دانشگاهی و صاحب نظران رسید.

جدول ۳- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

شماره	گروه شغلی	سابقه سکونت / اشتغال (سال)	جنسیت	قومیت	شماره	گروه شغلی	سابقه سکونت / اشتغال (سال)	جنسیت	قومیت
۱-۱	کارگر روزمزد	۳۵	زن	بلوچ	۱۵-۱	خرده فروش مواد مخدر	۱۳	مرد	بلوچ
۲-۱	دست‌فروش محلی	۱۸	مرد	بلوچ	۱۶-۱	دانشجو	۲۶	مرد	فارس
۳-۱	کاسب محلی (رسمی)	۵۰	مرد	فارس	۱۷-۱	سرکار زن	۱۹	زن	بلوچ

شماره	گروه شغلی	سابقه سکونت / اشتغال (سال)	جنسیت	قومیت	شماره	گروه شغلی	سابقه سکونت / اشتغال (سال)	جنسیت	قومیت
۴-۱	کارگر ساختمانی	۶۰	مرد	افغان	۱۸-۱	کارگر	۲۰	زن	افغان
۵-۱	طلبه	۸	مرد	چلو	۱۹-۱	کارمند	۴	مرد	فارس
۶-۱	کارمند	۲۵	مرد	فارس	۲۰-۱	طلبه	۱۴	مرد	بلوچ
۷-۱	کارگر ساختمانی	۳۰	مرد	بلوچ	۲۱-۱	کارمند	۴۰	مرد	فارس
۸-۱	کشاورز	۵۵	مرد	افغان	۲۲-۱	کسبه	۱۷	مرد	بلوچ
۹-۱	کشاورز	۱۳	زن	بلوچ	۲۳-۱	کسبه	۱۲	مرد	بلوچ
۱۰-۱	کارمند	۲۲	مرد	فارس	۲۴-۱	کسبه	۱۵	مرد	بلوچ
۱۱-۱	کارمند	۳۰	مرد	چلو	۲۵-۱	کسبه	۴۰	مرد	-
۱۲-۱	کارگر ساختمانی	۴۷	مرد	بلوچ	۲۶-۱	کشاورز	۷۰	مرد	فارس
۱۳-۱	کشاورز	۶۲	زن	فارس	۲۷-۱	ساکن	۱۷	زن	فارس
۱۴-۱	کاسب خواروبار	۶۶	مرد	فارس					

برای دستیابی به هدف دوم تحقیق یعنی فهم ابعاد جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی در محله قلعه‌خیابان، از روش تحقیق کیفی و تکنیک گروه کانونی استفاده شده است. مورگان گروه‌های کانونی را شکلی از مصاحبه گروهی می‌داند که شامل مصاحبه هم‌زمان تعدادی از افراد است و تمرکز اصلی بر پرسش‌ها و پاسخ‌های مطرح‌شده بین محقق و مصاحبه‌شوندگان است (فلیک، ۱۳۸۸، ص. ۲۲۰). جامعه آماری ما در این پژوهش، شامل ساکنان و شاغلانی بودند که در بازه زمانی سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در محله قلعه خیابان سکونت داشتند. اعضای مشارکت‌کننده در جلسات مصاحبه گروه کانونی شامل ۱۶ نفر از نخبگان و مطلعین کلیدی بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند (جدول ۴). در نمونه‌گیری

نظری، نمونه‌ها با توجه به اهداف تحقیق، آگاهانه و برای پوشش دادن تمام مسئله تحقیق انتخاب می‌شوند (فلیک، ۱۳۸۸).

جدول ۴- فهرست مصاحبه‌شوندگان گروه‌های کانونی

اعضای گروه اول مصاحبه کانونی							
شماره	اسامی	ویژگی	قومیت	شماره	اسامی	ویژگی	قومیت
۱-۲	علی. گ.	خیر محله	بلوچ	۹-۲	سیدهاشم. ا.	خیر محله شهید باهنر	بلوچ
۲-۲	زهران. ن.	قدیمی محله تاجرآباد	بلوچ	۱۰-۲	علی. ر.	عضو فعال بسیج و مسجد	فارس
۳-۲	الدین محمد. ح.	عضو شورای اجتماعی محله	فارس	۱۱-۲	اکبر. ا.	پژوهشگر حاشیه شهر	فارس
۴-۲	رضا. ر.	عضو شورای اجتماعی محله	فارس	۱۲-۲	خ. بنی.	عضو شورای اجتماعی محله	فارس
۵-۲	حاج داوود. ک.	قدیمی محله	فارس	۱۳-۲	حمیرا. ف.	قدیمی محله	بلوچ
۶-۲	احمد. م.	قدیمی و معتمد محلی	فارس	۱۴-۲	حافظ. ح.	معتمد محلی	افغان
۷-۲	فخری. ف.	فعال محلی	فارس	۱۵-۲	ماهر. م.	ساکن محله بسکابادی	چلو
۸-۲	قاسم. س.	عضو شورای اجتماعی محله	فارس	۱۶-۲	سید باقر. ا.	قدیمی محله	فارس

بنابراین در این مطالعه محقق از طریق تشکیل و برگزاری جلسات مصاحبه با گروه کانونی کوشید، ضمن معرفی و طبقه‌بندی هریک از مشاغل شناسایی شده در محله قلعه خیابان، ابعاد جامعه‌شناختی مشاغل اقتصاد غیررسمی را احصاء کند و در انتها با استفاده از شاخص‌های مورد توافق مشارکت‌کنندگان گروه کانونی و کمیت ارائه شده توسط آن‌ها، به تحلیل جامعه‌شناختی و گونه‌شناسی این مشاغل اقدام کند. مشارکت‌کنندگان گروه کانونی در این قسمت می‌توانستند درباره دادن نمرات (صفر = نبود صفت)، (۱ = احتمال وجود صفت)

و (۲ = وجود صفت) در هریک از مشاغل با یکدیگر به توافق برسند. سپس کمیت نهایی هر شغل توسط مشارکت‌کنندگان گروه کانونی، با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ و استفاده از دو آزمون تحلیل خوشه‌ای و تحلیل عاملی اکتشافی بررسی شد.

در تحقیق حاضر برای اطمینان از صحت تحقیق تلاش شد تا «روایی سازه‌ای»^۱ با تدوین رویه‌های عملیاتی دقیق، «روایی درونی»^۲ با کسب داده‌ها از منابع مختلف، «روایی بیرونی»^۳ استفاده از روش توافق داوران و «اعتبار»^۴ آن با تشریح دقیق نحوه گردآوری داده‌ها و بیان آنها تامین شود.

۳.۱. معرفی قلمرو تحقیق

جامعه آماری پژوهش حاضر، محله «قلعه‌خیابان» یا «شهرک شهید باهنر» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محلات حاشیه‌نشین در شهر مشهد بود. در سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران تا سال ۱۳۸۵، این شهرک به نام روستای «قلعه‌خیابان» به‌عنوان زیرمجموعه دهستان میامی از بخش رضویه شهرستان مشهد شناخته شده است، اما این شهرک از تیرماه ۱۳۸۹ به محدوده شهری افزوده شد و از خدمات شهرداری برخوردار شد. این محله با تراکم نسبی ۲۷۴ نفر در هر هکتار، در حاشیه شهر مشهد واقع شده است. (شریفی پستچی، جوان، شاپان و رهنما، ۱۳۹۴: ۹). از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی این محله می‌توان به وجود مشکلات کالبدی، مشکلات امکانات شهری، مشاغل غیررسمی، آسیب‌های اجتماعی، بافت قومیتی (متشکل از اقوام فارس، بلوچ، افغان و چلو)، بی‌هویتی، اعتیاد و تنوع مذاهب (شیعه و سنی) اشاره کرد.

1. Construct validity
2. Internal validity
3. External validity
4. Reliability



شکل ۲- نقشه پراکنش حاشیه شهر در کلان شهر مشهد

منبع: اطلس محلات شهر مشهد

براساس آمار سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، محله قلعه خیابان ۳۳۹۴۴ نفر جمعیت داشته است که ۱۷۱۲۱ نفر از این جمعیت را مردان و ۱۶۸۲۳ نفر را زنان تشکیل دادند. این محله از ۹۰ شهر ایران جمعیت بیشتری را به خود اختصاص داده است. از دیگر ویژگی های جمعیتی که براساس آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ احصاء شده است، می توان به تراکم جمعیتی کودکان زیر ۱۰ سال و گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال اشاره کرد. از دیگر ویژگی های این محله منطبق با جدول ۵ می توان به این موارد اشاره کرد: ۶۹۴۰ نفر بی سواد (زن ۳۹۰۳ و مرد ۳۰۳۷ نفر)، بیش از ۱۱۵۰۰ نفر شاغل (۸۲۹۳ مرد شاغل و ۲۲۲۱ زن شاغل)، بیش از ۱۲۰۰ نفر بیکار، ۱۶۳۸ نفر مهاجر خارجی رسمی و بیش از ۸۰۰۰ مسکن که غالب آن ها کمتر از ۷۵ متر مساحت دارند (ریزدانگی).

جدول ۵- مشخصات جمعیت‌شناختی ساکنان محله قلعه‌خیابان

فعالیت								وضعیت سواد	
کل	دارای	خانه‌دار	محصل	جمعیت	جمعیت	جمعیت	جمعیت	بی‌سواد	باسواد
مهاجران	درآمد			بیکار زن	بیکار مرد	شاغل زن	شاغل مرد		
قانونی	بدون کار								
۱۶۳۸	۱۶۸۳	۸۱۷۱	۳۴۷۴	۱۴۷	۹۱۹	۲۲۲۱	۸۲۹۳	۶۹۴۰	۲۱۳۲۰

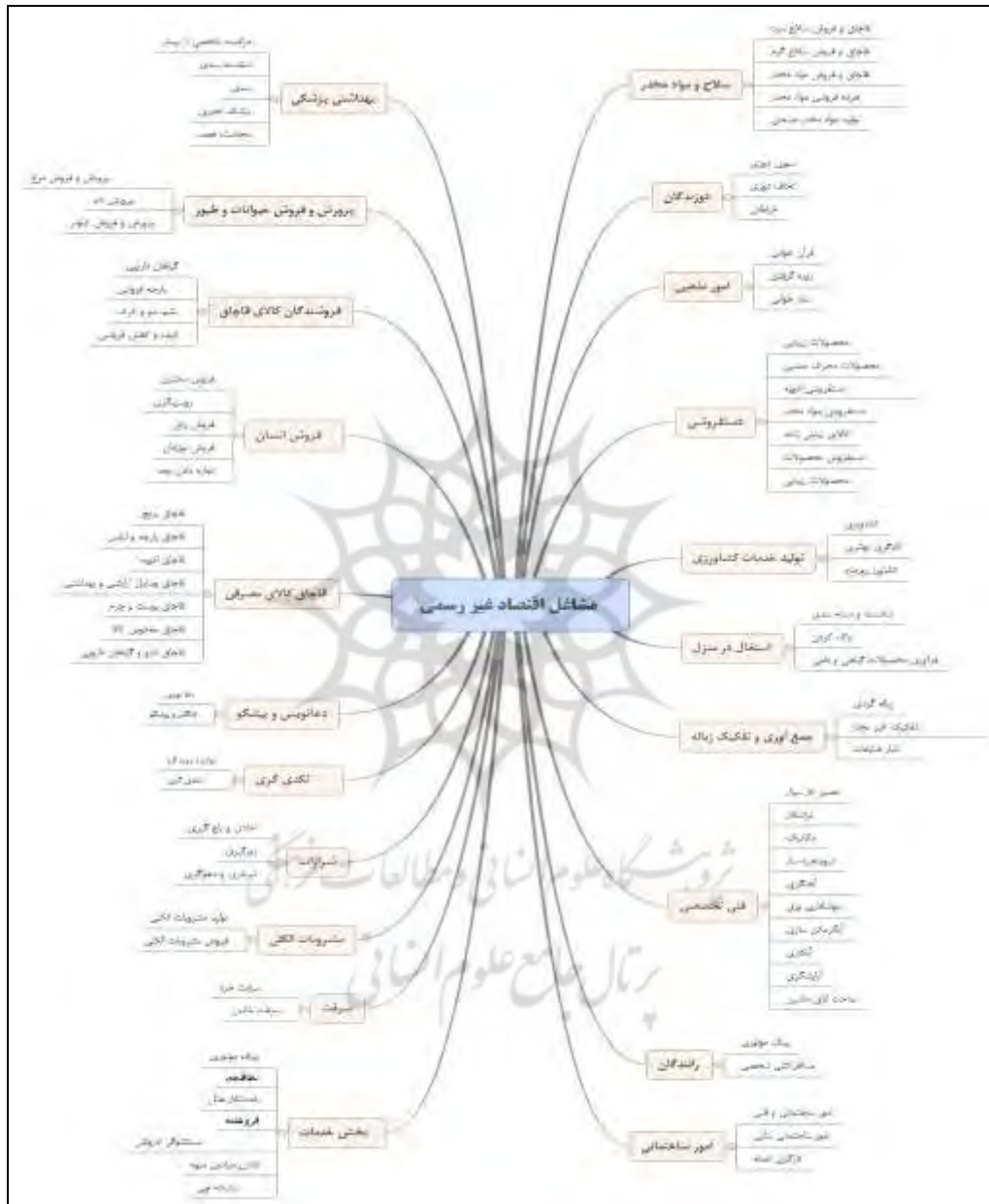
منبع: براساس آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵

۴. یافته‌های تحقیق

محقق برای شناسایی و اکتشاف مشاغل غیررسمی در حاشیه شهر، ضمن ورود به محدوده محله قلعه‌خیابان به عنوان یکی از سکونتگاه‌های غیررسمی و قلمرو مطالعه‌شده در این پژوهش، با استفاده از روش گلوله‌برفی سراغ کسبه، نخبگان، معتمدین محلی، ساکنان قدیمی و اعضای شورای اجتماعی محلات رفت و ضمن تعریف شاخص‌های اقتصاد غیررسمی از آن‌ها درخواست کرد مشاغلی را که در محله فعال هستند و دارای ۹ شاخص (نبود مجوزات قانونی، غیر ثبتی بودن، پرداخت نشدن مالیات، نداشتن قرارداد رسمی، محرومیت از خدمات بیمه‌ای، محرومیت از کمک‌ها و مزایای دولتی، فعالیت دارای ارزش افزوده مالی، تمرکز کار بر نیروی انسانی، برپایه مکانیزه معاش) هستند را به وی معرفی کنند. پس از اجرای ۲۷ مصاحبه، داده‌های تحقیق به اشباع نظری رسید و ۱۰۳ شغل (پنهان یا آشکار) متمایز شناسایی شد. در ادامه، محقق در جلسات گروه قانونی، ضمن معرفی اهداف طرح پژوهش از مشارکت‌کنندگان جلسات گروه قانونی درخواست کرد ضمن ارائه توضیحات درباره شغل‌های احصاء‌شده، مشاغلی را در هم ادغام کنند که دارای تشابه کاری یا نامی بودند. بر اساس این فرایند مشاغل غیررسمی از ۱۰۳ شغل به ۸۴ شغل مجزا کاهش یافت. در گام بعدی، همه مشاغل غیررسمی براساس ویژگی‌های مشترک آن‌ها در یک حوزه و با رویکرد هدفمند طبقه‌بندی شدند. یافته‌های این قسمت برپایه توافق نظر میان مشارکت‌کنندگان در جلسات گروه قانونی نشان می‌دهد که مطابق با شکل ۳، در محله قلعه‌خیابان

شهر مشهد ۲۱ رسته مجزا از مشاغل غیررسمی اقتصاد فعال هستند که عبارت‌اند از: قاچاق سلاح و موادمخدر، دست‌فروشی، دوزندگان، امور مذهبی، تولید خدمات کشاورزی، اشتغال در منزل، جمع‌آوری و تفکیک زباله، فنی و تخصصی، رانندگان، امور ساختمانی، بهداشتی و پزشکی، پرورش دام و طیور، فروشندگان کالای قاچاق، فروش انسان، قاچاق کالای مصرفی، تکدی‌گری، شرارت، تولید و فروش مشروبات الکلی، سرقت و خدمات.





شکل ۳- رسته‌بندی مشاغل غیررسمی محله قلعه‌خیابان

۴.۱. فهم ابعاد جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی

ورود اقتصاد غیررسمی به‌عنوان یک مسئله شهری به حوزه علوم اجتماعی و به‌ویژه جامعه‌شناسی اقتصادی، از آنجاکه بر نقش متغیرهای خرد و کلان اجتماعی، فرهنگی، نهادها و ویژگی‌های ساختاری در تحلیل‌ها تأکید شده است، می‌تواند ضمن درک عمیق‌تری از مسئله اقتصاد غیررسمی، قدرت تبیین‌کنندگی زیادی را برای این مفهوم اقتصاد غیررسمی فراهم کند. شایان ذکر است چالشی که محقق در راستای فهم ابعاد جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی با آن روبه‌رو بود، تدوین‌نشدن ابعاد و متغیرهایی برای تحلیل جامعه‌شناختی و با رویکرد کیفی این پدیده شهری بود؛ بنابراین در راستای تحلیل جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی، با استفاده از نتایج مصاحبه با گروه کانونی و بهره‌گیری از رویکرد نظری و مرور نتایج پیشینه تجربی، هشت متغیر جامعه‌شناختی (تداوم بخشی به فقر، حضور زنان و کودکان، منزلت اجتماعی، پردشدگی اجتماعی، سلامت اجتماعی، ناپایداری شغلی، خاص‌گرایی شغلی، احساس بی‌قدرتی) شناسایی گردید.

۴.۲. یافته‌های تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی

در این قسمت از مطالعه حاضر، بعد از دستیابی به هشت متغیر جامعه‌شناختی و ثبت کمیت اکتسابی هر شغل، مشاغل غیررسمی برپایه متغیرهای جامعه‌شناختی با استفاده از تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی در هشت سطح به خوشه‌های همگن تقسیم‌بندی شدند. یافته‌های تحلیل خوشه‌ای حاکی از آن است که در سطح اول تحلیل خوشه‌ای از مجموع ۸۴ شغل غیررسمی شناسایی شده، مشاغلی که دارای کمترین فاصله (بیشترین شباهت) با هم بودند، برپایه کمیت متغیرهای جامعه‌شناختی در هم ادغام شدند و با هم یک خوشه را تشکیل دادند؛ به‌گونه‌ای که ۸۴ شغل در سطح اول تحلیل خوشه‌ای به ۵۵ خوشه همگن تبدیل شدند. در این قسمت مشاغل روسپی‌گری، تکدی‌گری، فروش زنان، اخاذی و باج‌گیری، فال‌گیری و دست‌فروشی ادویه با یکدیگر به یک خوشه همگن تبدیل شدند. از دیگر مشاغل تلفیق‌شده با هم می‌توان به ادغام مشاغل سرقت خرد و زباله‌گردی، زورگیری و

سرقت خشن، دست‌فروشی و محصولات کشاورزی و کارگری تهاتری با یکدیگر اشاره کرد. در سطح دوم پس از تلفیق‌شدن و ادغام‌شدن مشاغلی از قبیل نوازندگی دوره‌گرد، زباله‌گردی، سرقت خرد، دادزن در میدان‌ها میوه و تره‌بار، شکستن و پاک‌کردن در منزل و...، به ۴۱ خوشه از مشاغل دست یافتیم. در سطح سوم با تلفیق خوشه‌ها در یکدیگر و اضافه‌شدن مشاغل در درون خوشه‌های قبلی، به ۳۱ خوشه شغلی غیررسمی فعال در محله قلعه‌خیابان دست یافتیم. این ادغام مشاغل در سطوح چهارم و پنجم نیز ادامه داشت؛ به‌صورتی که در سطح چهارم تحلیل خوشه‌ای، با ۲۷ خوشه مجزا روبه‌رو بودیم که در سطح پنجم به ۱۷ خوشه تقلیل یافتند. در این سطح همچنان با مشاغلی روبه‌رو بودیم که در چهار سطح قبلی با دیگر مشاغل به خوشه واحد تبدیل نشدند. مشاغل تفکیک غیرمجاز، پرورش و فروش دام، فرآوری محصولات دامی و کشاورزی، اجاره‌دادن بچه و شغل غیررسمی خیاطی، از این قبیل هستند که این تفاوت با دیگر مشاغل غیررسمی در این سطح درخور توجه است. در سطح ششم تحلیل خوشه‌ای تقریباً همگی مشاغل به‌جز فرآوری محصولات دامی و کشاورزی، در یکدیگر ادغام شدند و هشت خوشه مشاغل غیررسمی را تشکیل دادند. این ادغام در سطح هفتم سبب شد با سه گونه (تیپ) جامعه‌شناختی از مشاغل روبه‌رو باشیم. در سطح هشتم آزمون تحلیل خوشه‌ای با نتایج نهایی روبه‌رو بودیم که بر مبنای آن همه مشاغل فعال اقتصاد غیررسمی در محله قلعه‌خیابان در دو خوشه جامعه‌شناختی که دارای تشابه زیاد درون‌خوشه‌ای و تمایزات برون‌خوشه‌ای بودند، تقسیم‌بندی شدند؛ بنابراین در مدل نهایی خوشه‌بندی، ۳۲ شغل در خوشه اول قرار گرفتند که به لحاظ تحلیل جامعه‌شناختی از آن‌ها با عنوان «مشاغل غیررسمی» نام می‌بریم. در خوشه دوم ۵۲ شغل فعالیت می‌کنند که از آن‌ها با عنوان «مشاغل شبه‌رسمی» یاد می‌کنیم؛ زیرا به‌واسطه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ابعاد جامعه‌شناختی، در سطح محله قلعه‌خیابان تشابه زیادی با مشاغل رسمی دارند و غیررسمی بودن آن‌ها ریشه در ضعف نهادهای دولتی در نظارت و رسمیت‌بخشی به این مشاغل دارد.

جدول ۶- یافته‌های تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی مشاغل اقتصاد غیررسمی در محله قلعه‌خیابان

سطح ۸	سطح ۷	سطح ۶	سطح ۵	سطح ۴	سطح ۳	سطح ۲	سطح ۱	مشاغل	ردیف
								روسی تری	۱
								تکدی تری	۲
								فروش زان	۳
								احادی و باج گیری	۴
								فانگری	۵
								دستفروشی ادویه	۶
								سرفت جرد	۷
								زانه جرد	۸
								نوازندگی دوره گرد	۹
								فروش دخترازی	۱۰
								فروش تزئینات	۱۱
								سنگسوزی و سینه بندی	۱۲
								یاک گردن	۱۳
								داد زن میادین میوه	۱۴
								جرده فروشی میوه مخمر	۱۵
								تکلیک غیر مخمر	۱۶
								فانچاق و فروش سلاح گرم	۱۷
								توزیع میوه مخمر کلان	۱۸
								فانچاق و فروش سلاح سرد	۱۹
								سرفتی	۲۰
								تولید میوه مخمر	۲۱
								پرزوشی و فروش میوه	۲۲
								جرده فروشی میوه مخمر	۲۳
								تولید مشروبات الکلی	۲۴
								فروش مشروبات الکلی	۲۵
								زورگیری	۲۶
								سرفت خنسی	۲۷
								درنگ غیر	۲۸
								دستفروشی محصولات کشاورزی	۲۹
								کارگری نظارتی	۳۰
								پرورش و فروش دام	۳۱
								فراوری محصولات دامی و کشاورزی	۳۲
								انگاری	۳۳
								افنگاری	۳۴
								روزه گرفتن برای اموات	۳۵
								نما خوانی برای اموات	۳۶
								قرآن خوانی برای اموات	۳۷
								سوزن دوزی	۳۸
								فروشنده کف معاره	۳۹
								سنگسوزی کاروانس	۴۰
								سرباز و نگهبان	۴۱
								دستفروشی لوازم آستر خانه	۴۲
								انگاری شوخی	۴۳
								عزیمت شخصی بهاران	۴۴
								نظافتچی منزل	۴۵
								خدمتکار هتل	۴۶
								عمله کارگر ساده	۴۷
								کشاورز	۴۸
								کشاورز روزمزد	۴۹
								آرایشگری	۵۰
								اجاره دادن بچه	۵۱
								اینگار مکن ساز	۵۲
								ساخت اتاق مانجینی	۵۳
								تعمیر کار سباز	۵۴
								جوشکاری ورق	۵۵
								درو بنجره ساز	۵۶
								بندک مشهوری	۵۷
								مساک کش مخصوص	۵۸
								مساک کش	۵۹
								ز انگاری	۶۰
								امور ساختمانی قبی	۶۱
								امور ساختمانی سایر	۶۲
								حجامت و قند	۶۳
								ابزارهای غیر مخاز	۶۴
								حیاطان	۶۵
								فانچاق دارو	۶۶
								فانچاق معکوب	۶۷
								داوهای جنسی	۶۸
								فانچاق برنج	۶۹
								فانچاق لپاس و پارچه	۷۰
								دغافند	۷۱
								فروش یشم و ترک	۷۲
								فروش نقش و شفا فانچاق	۷۳
								فروش کاشان دارو	۷۴
								سنگسوزی	۷۵
								فانچاق وسایل آرایشگر	۷۶
								فانچاق پوست	۷۷
								فانچاق کالای زساز و بهداشت	۷۸
								فانچاق ادویه	۷۹
								کالای زینتی زانه	۸۰
								پرنگ تجریدی	۸۱
								سنگسوزی بندی	۸۲
								پرورش و فروش مرغ	۸۳

۳.۴. یافته‌های آزمون تحلیل عاملی

در این قسمت از پژوهش حاضر، هشت متغیر جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی با استفاده از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی به دو عامل تبدیل شدند. در ادامه با استفاده از تلفیق این عامل‌ها با نتایج تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی، ضمن تحلیل جامعه‌شناختی مقایسه‌ای مشاغل اقتصاد غیررسمی به نوع‌شناسی کیفی این مشاغل دست یافتیم؛ بنابراین در ابتدا ساختار عاملی متغیرهای جامعه‌شناختی با استفاده از شیوه تحلیل عاملی اکتشافی بررسی شد.^۱ در جدول ۷ نتایج آزمون تحلیل عاملی نشان می‌دهد که تداوم‌بخشی به فقر (۰/۷۳۷) و حضور زنان و کودکان (۰/۸۲۵) به عنوان دو متغیر روی یک بار عاملی بارگذاری شدند و شش متغیر منزلت اجتماعی (۰/۸۰۴)، طردشدگی اجتماعی (۰/۷۳۲)، خاص‌گرایی شغلی (۰/۶۵۶)، آسیب به سلامت اجتماعی (۰/۷۲۶)، ناپایداری شغلی (۰/۶۲۱) و احساس بی‌قدرتی (۰/۸۰۹) روی عامل دوم بارگذاری شدند. دو عامل طردشدگی و آسیب به سلامت اجتماعی روی هر دو عامل بارگذاری شده‌اند، اما با توجه میزان همبستگی، این دو متغیر در عامل اول بارگذاری شده‌اند.

جدول ۷- عامل‌های حاصل از تحلیل اکتشافی

عامل ۲	عامل ۱	متغیر
	۰/۸۰۹	احساس بی‌قدرتی
	۰/۸۰۴	منزلت اجتماعی پایین
۰/۴۳۸	۰/۷۳۲	طردشدگی اجتماعی
۰/۴۴۶	۰/۷۲۶	آسیب به سلامت اجتماعی
	۰/۶۵۶	خاص‌گرایی شغلی

۱. آزمون بارتلت درصد اطمینان این آزمون ۰/۰۰ و آزمون شاخص کفایت نمونه برادری ($KMO=0/83$) محاسبه گردیده است، معنی دار بودن آزمون کرویت بارتلت و همچنین کفایت نمونه برداری نشان می‌دهد که تحلیل عامل روش مناسبی می‌باشد، هر چند در این تحقیق ما تنها به دنبال دستیابی به نوع‌شناسی جامعه‌شناختی جدیدی از مشاغل غیررسمی هستیم، لذا در متن اصلی کمتر به این موضوع اشاره گردیده است.

متغیر	عامل ۱	عامل ۲
ناپایداری شغلی	۰/۶۲۱	
حضور زنان و کودکان		۰/۸۲۵
تداوم بخشی به فقر		۰/۷۳۷

ضریب همبستگی پیرسون بین دو عامل طردشدگی و آسیب به سلامت اجتماعی برابر با ۰/۳۸۷ است که تمایز این دو عامل را از یکدیگر نشان می‌دهد. همچنین مطابق با یافته‌های جدول ۸، عامل‌های جامعه‌شناختی به ترتیب ۴۸/۱ و ۱۶/۴ درصد از واریانس آزمون و در مجموع ۶۵/۵۴ درصد از تجمعی واریانس متغیر آزمون را تبیین می‌کنند؛ بنابراین یافته‌های این قسمت به عنوان یک روش تدوین و تولید تئوری و نه یک روش آزمون تئوری نشان می‌دهد که شش متغیر منزلت اجتماعی، طردشدگی اجتماعی، خاص‌گرایی شغلی، آسیب به سلامت اجتماعی، ناپایداری شغلی و احساس بی‌قدرتی، به عنوان عامل پنهان تأثیرات جامعه-شناختی اقتصاد غیررسمی نام‌گذاری می‌شوند و ۴۸/۱ درصد از واریانس متغیر اقتصاد غیررسمی را تبیین می‌کنند. دو عامل حضور زنان و کودکان و تداوم بخشی به فقر که به عنوان ابعاد آشکار و ملموس جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی نام‌گذاری کردیم، ۱۶/۴ درصد از واریانس متغیر آزمون را تبیین می‌کنند؛ بنابراین مجموع عامل پنهان و آشکار قابلیت تبیین ۶۴/۵۴ درصد از واریانس متغیر آزمون را دارند.

جدول ۸- درصد واریانس تبیین شده توسط هر عامل

عامل	ارزش ویژه	درصد تبیین واریانس	درصد تراکمی واریانس
عامل ۱	۳/۸۴	۴۸/۱۱۶	۴۸/۱۱۶
عامل ۲	۱/۳۱۵	۱۶/۴۳۲	۶۴/۵۴۸

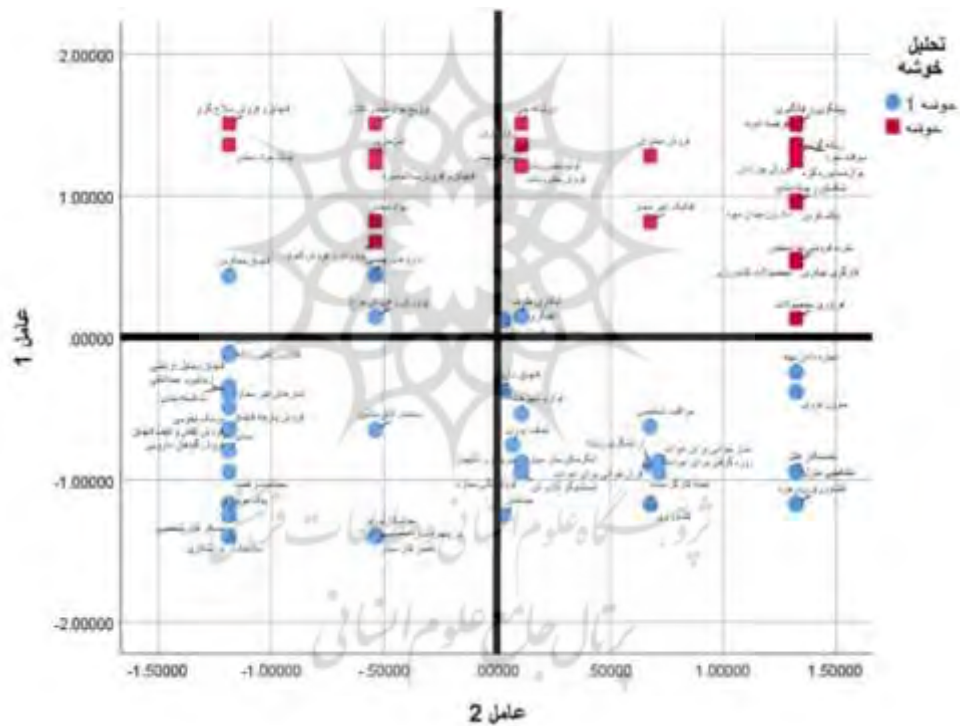
همچنین یافته‌های شکل ۴ که بر پایه هشت متغیر جامعه‌شناختی بارگذاری شدند، در دو عامل ابعاد آشکار و پنهان جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی شکل گرفته است که در درون

خود، ۳۲ شغل را به‌عنوان مشاغل خوشه اقتصاد غیررسمی با دایره آبی و ۵۲ شغل را با مربع قرمز به‌عنوان خوشه مشاغل شبه‌رسمی جای داده است. نوع‌شناسی کیفی این مشاغل نشان می‌دهد هرچقدر از محل تلاقی محور عمودی و افقی (عامل‌های ۱ و ۲) فاصله بگیریم، مشاغل از نظر ابعاد جامعه‌شناختی غیررسمی می‌شوند و مشاغلی که در محل تقاطع این محور قرار گرفته‌اند، از لحاظ ابعاد جامعه‌شناختی به مشاغل اقتصاد رسمی شبیه‌تر هستند. برپایه یافته‌های این نمودار، مشاغلی از قبیل تراشکاری، مکانیکی، پیک موتوری، حجامت، فروش گیاهان دارویی، فروش کفش و کیف قاچاق، مسافرکش شخصی، جوشکاری، فروش کالاهای قاچاق، تعمیرکار سیار، پزشک تجربی و شکسته‌بندی، به ترتیب شباهت بیشتری به مشاغل اقتصاد رسمی دارند؛ بنابراین این مشاغل از منزلت اجتماعی بیشتری در محله، پردازشگری کمتر، خاص‌گرایی کمتر، آسیب کمتر به سلامت اجتماعی، احساس قدرت و پایداری شغلی بیشتری برخوردار هستند. همچنین این مشاغل با کسب سود بیشتر سبب رهایی افراد از فقر می‌شوند و صاحبان آن را کمتر زنان و کودکان تشکیل می‌دهند. شایان ذکر است که برخلاف نتایج تحلیل خوشه‌ای که هر ۵۲ شغل در خوشه مشاغل شبه‌رسمی قرار گرفته بود، براساس نتایج آزمون تحلیل عاملی و نمودار نقطه‌ای، هر ۵۲ شغل از لحاظ کیفی به یک میزان شبه‌رسمی نیستند و تنها مشاغل ذکرشده بیشترین شباهت را به اقتصاد رسمی در محله قلعه‌خیابان دارند.

همچنین مشاغل اجاره‌دادن بچه، سوزن‌دوزی، خدمتکاری هتل، نظافتچی منزل و کشاورزی روزمزد، از جمله خوشه مشاغل شبه‌رسمی هستند، اما به دلیل تداوم فقرزدایی و فعالیت اجباری زنان و کودکان جزو مشاغلی هستند که به میزان کمتری به مشاغل رسمی شباهت دارند. فروش سلاح گرم، توزیع مواد مخدر، شرخری و تولید مواد مخدر نیز از جمله مشاغلی هستند که در آن‌ها زنان کمتری مشارکت دارند و این مشاغل به تداوم فقر پایان می‌دهند، اما به لحاظ کمیت متغیرهای عامل اول یعنی منزلت اجتماعی بیشتر در محله،

پردشدهگی کمتر، خاص گرایهی کمتر، آسیب کمتر به سلامت اجتماعی و احساس قدرت و پایداری شغلی، بیشتر از سایر مشاغل، غیررسمی اند.

دیگر نتایج نشان می‌دهد که از مجموع ۳۲ شغلی که به عنوان مشاغل غیررسمی در خوشه دوم قرار گرفته‌اند، مشاغل پیشگویی و فال‌گیری، دست‌فروشی ادویه، زباله‌گردی، سرقت خرد، فروش نوزاد و شکسته‌بندی، به ترتیب در مقایسه با سایر مشاغل غیررسمی‌اند؛ بنابراین می‌توان از این مشاغل به عنوان غیررسمی‌ترین مشاغل اقتصاد غیررسمی یاد کرد.



شکل ۴- نمودار نقطه‌ای نوع‌شناسی کیفی مشاغل اقتصاد غیررسمی در محله قلعه‌خیابان

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف از انجام‌شدن پژوهش حاضر تحلیل جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی در حاشیه شهر بود. برای بررسی اقتصاد غیررسمی، در گام نخست با استفاده از روش کیفی و تکنیک‌های مصاحبه نیمه‌ساختار یافته با ۲۷ نفر، ۸۴ شغل فعال غیررسمی در محله قلعه‌خیابان شناسایی شد که همگی آن‌ها به تناسبی در ۹ متغیر اقتصاد غیررسمی مشترک بودند. در ادامه با استفاده از جلسات گروه کانونی، ۲۱ رسته شغل رسته‌بندی شد. تاکنون تحقیقات بسیاری در حوزه اقتصاد غیررسمی انجام شده است، اما یافته‌های پژوهش حاضر مطابق با هیچ‌کدام از یافته‌های پیشینه تجربی پژوهش حاضر نیست؛ زیرا در هیچ‌کدام از پژوهش‌های انجام‌شده به دلیل نوع روش (استفاده از روش کمی)، پنهانی‌بودن مشاغل غیررسمی (دل آنو، ۲۰۰۹، ص. ۲۲۷)، ابهام در تعاریف (هنلی، عربشیبانی و کارینو، ۲۰۰۹، ص. ۹۹۲)، تغییرات پی‌درپی مشاغل (دانیلز، ۲۰۰۴) و نوع رویکرد کلان اقتصادی، پژوهشگران کمتر به شناسایی مشاغل اقتصاد غیررسمی توجه داشته‌اند؛ بنابراین این مشاغل و طبقه‌بندی آن‌ها از جمله نتایج نوینی است که در این پژوهش شناسایی شده است. از سوی دیگر، برخی از مشاغل اصولاً دارای ویژگی‌های اقتصاد رسمی‌اند و تنها به دلیل کم‌رنگ‌شدن نظارت نهادهای دولتی، منفعت‌گرایی صاحبان مشاغل، کوچک مقیاس بودن، استفاده از تکنولوژی‌های سنتی، پنهان‌بودن و قرارنگرفتن در چارچوب قوانین، ساماندهی نشده‌اند که در پژوهش حاضر از آن‌ها با عنوان مشاغل غیررسمی نام برده‌ایم.

از دیگر یافته‌های این پژوهش این است که نگاه صرفاً اقتصادی برپایه تعاریف و اصطلاحات اقتصادی به مشاغل اقتصاد غیررسمی نمی‌تواند در تحلیل کیفی این پدیده اجتماعی ما را یاری رساند لذا ما برای دستیابی به فهم جامعه‌شناختی ابعاد کیفی اقتصاد غیررسمی در قلمرو مورد مطالعه از تکنیک مصاحبه گروه کانونی بهره گرفتیم. در این مجال نتایج یافته‌های این قسمت به عنوان مهمترین یافته‌های کیفی پژوهشی این رساله و ارتباط آن با مبانی نظری و پیشینه تجربی مورد بررسی قرار گرفته است.

تداوم بخشی به فقر؛ میان فقر و اشتغال در بخش غیررسمی اقتصاد رابطه دوطرفه وجود دارد. صاحب نظران بسیاری با تأیید ارتباط بین فقر و اقتصاد غیررسمی از آن به عنوان گریزگاهی به منظور تأمین معاش (نظریه لویس برگ)، فقردرمانی (طرفداران نظریه های دوگانگی)، تور حمایتی فقرا (نظریه پردازان دوآلیستی) و تخفیف دهنده فقر شهری (دیدگاه نئولیبرالیسم) نام برده اند. همچنین یافته های مطالعات جعفری مهرآبادی و محمدزاده (۱۳۹۴)، شوهانی (۱۳۹۸) و پرفرا و همکاران (۲۰۱۹) مبین این ارتباط است. تحلیل مصاحبه های گروه کانونی در این پژوهش نیز مشخص کرد که «فقر» عامل ورود به اشتغال غیررسمی است و اشتغال غیررسمی موجب قرارگرفتن تداوم فقر از طریق مکانیزم های زیر می شود. میزان درآمد در بخش غیررسمی از کارفرمایان به کارگران خوداشتغالی و از کارگران خوداشتغالی به کارگران مزدبگیر و موقت کاهش می یابد، ولی در مجموع به طور میانگین میزان درآمد شاغلان در بخش غیررسمی کمتر از بخش رسمی است؛

افراد شاغل در بخش غیررسمی اقتصاد علاوه بر کانال درآمد، از طریق محرومیت از تأمین اجتماعی و سیستم حداقل دستمزد نیز در فشار هستند؛ این در حالی است که تأمین اجتماعی در پیشگیری از فقر و رفع فقر نقش بسزایی دارد؛ بنابراین محرومیت از خدمات تأمین اجتماعی در این مشاغل به تداوم فقر صاحبان مشاغل غیررسمی می انجامد؛

تحصیلات مکانیزمی است که بر فقر خانوار تأثیر می گذارد. در پژوهش حاضر مطالعات میدانی مانند سایر پژوهش ها نشان می دهد کسانی که در بخش غیررسمی اقتصادی فعال هستند، تحصیلات زیادی ندارند: هنلی، عربشیبانی و کارینو (۲۰۰۹)، جعفری مهرآبادی و محمدزاده (۱۳۹۴)، بلکبرن، بوز و کاپاسو^۱ (۲۰۱۴)، صدر موسوی و همکاران (۱۳۹۵)، کریمی موعاری و همکاران (۱۳۹۷)، ظفری، صدرموسوی و پورمحمدی (۱۳۹۷) و شوهانی (۱۳۹۸). از سوی دیگر سطح پایین تحصیلات سرپرست خانوار، شانس فقیربودن آن خانوار را افزایش می دهد. سایر یافته های مصاحبه های کانونی مشخص کرد که فقر به همراه کاهش

تحصیلات سرپرست خانواده موجب ترغیب دیگر افراد خانوار برای اشتغال در بخش غیررسمی و نبود تحصیلات آکادمیک می‌شود که در نهایت شانس فرزندان این خانوار را برای رهایی از اشتغال در بخش رسمی اقتصاد و کسب شغل‌هایی با دستمزد زیاد را به شدت کاهش می‌دهد؛

نسبت ساعت کار با میزان درآمد در مشاغل غیررسمی به شدت نامتوازن و ناعادلانه است؛ به طوری که مصاحبه‌شوندگان گروه کانونی پژوهش حاضر معتقدند بودند که صاحبان این مشاغل مجبور هستند زمان بیشتری را در خارج از خانه صرف کنند. این پدیده خود سبب فقر زمانی در کنشگران می‌شود که کاهش پویایی و آسیب‌پذیری بیشتر و هزینه بیشتر درمانی را به همراه دارد؛

یافته‌های مصاحبه با گروه کانونی پژوهش حاضر مشخص کرد، صاحبان مشاغل غیررسمی که به صورت غیرقانونی به دنبال تأمین معاش خود هستند، با ریسک زیاد دستگیر شدن و از دست دادن جایگاه شغلی روبه‌رو هستند؛ بدین ترتیب احتمال تداوم فقر در این افراد و خانواده آن‌ها گسترش می‌یابد.

حضور زنان و کودکان: حضور زنان و کودکان از دیگر شاخص‌های کیفیت سنجی به اقتصاد غیررسمی است. مقایسه بین مشاغل غیررسمی و رسمی انجام شده توسط سازمان بین‌المللی کار حاکی از این است که زنان و کودکان در مشاغل غیررسمی در مقایسه با هم‌تایان خود، حضور بیشتری دارند (بارون، ۲۰۰۲). یافته‌های مصاحبه‌های کیفی پژوهش حاضر نیز مشخص کرد که حضور زنان به همراه کودکان در مشاغل غیررسمی در محله قلعه-خیابان به دلیل فرایندهای ذیل تشدید می‌شود.

میانگین درآمد زنان شاغل در بخش غیررسمی از مردان کمتر است؛ بنابراین زنان در راستای تأمین معاش خانواده خود مجبورند همراه با کودکان خود کار کنند.

در محله قلعه‌خیابان به دلیل وضعیت دشوار اقتصادی ساکنان آن، تقاضا برای ورود به بازار اشتغال زنان افزایش یافته است. از طرفی بی‌توجهی به بازار کار زنان و فقدان

سیاست‌گذاری مناسب باعث تراکم و عرضه بیشتر نیروی کار انسانی در این محله شده است؛ بنابراین زنان به‌عنوان نیروی کار دوم در جامعه مطالعه شده مجبورند، مشاغل سخت‌تر و با مزدهای کمتری را بپذیرند.

افزایش مسائل اجتماعی و ازجمله طلاق در مناطق حاشیه شهر و به‌ویژه محله قلعه‌خیابان سبب شده است بر تعداد زنان سرپرست خانوار ساکن این محله افزوده شود. این زنان به دلیل نداشتن مهارت توانمندی لازم برای پذیرش مشاغل رسمی را ندارند و در مشاغل غیررسمی به کار مشغول‌اند.

یافته‌های مصاحبه با گروه کانونی پژوهش حاضر مشخص کرد که در محله قلعه‌خیابان، تعصبات جنسیتی موجب ایجاد فرصت‌های نابرابر در آموزش، اشتغال و مالکیت برای زنان در مقایسه با مردان شده است؛ بنابراین زنان بیشتر در شغل‌های کم‌درآمد و زمان‌بر در این محله به کار گرفته می‌شوند.

منزلت اجتماعی: منزلت اجتماعی که معادل این اصطلاح را آبروی اجتماعی، شأن اجتماعی، حیثیت اجتماعی و اعتبار اجتماعی دانسته‌اند، بیشتر به جنبی ذهنی شأن و منزلت افراد از دیدگاه جامعه اشاره دارد (کلاکی و دوستدار، ۱۳۸۸، ص. ۲۳۲). اینکه شأن و منزلت فرد در مقایسه با افراد دیگر تا چه اندازه است، تحت تأثیر نگاه مردم جامعه به فرد است یافته‌های کیفی مطالعه حاضر برپایه مصاحبه با گروه کانونی مشخص کرد که در محله قلعه‌خیابان اگرچه میزان درآمد، تحصیلات و مسکن در منزلت اجتماعی ساکنان اثرگذار است، نوع شغل از نگاه مردم نقش بسزایی در تعیین حیثیت اجتماعی کنشگران اجتماعی در این محله دارد. این یافته کیفی حاضر در نظریه‌های نورث، هات، مندارس و گورویچ نیز تأیید شده است (کلاکی و دوستدار، ۱۳۸۸، ص. ۲۳۲).

طردشدگی اجتماعی: «طرد اجتماعی» نخستین بار در دهه ۱۹۷۰ در فرانسه به کار برده شد. طرد اجتماعی بر انقطاع در روابط با جامعه دلالت دارد که همواره در تقابل با ادغام اجتماعی معنی می‌یابد؛ به طوری که فقدان ادغام طرد را رقم می‌زند و از آن به‌عنوان فرایندی

یاد می‌شود که طی آن افراد یا گروه‌ها به‌طور کامل یا تا حدودی از مشارکت در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، محروم می‌شوند (حمیدیان، زاهدی، ملکی و انصاری، ۱۳۹۴، ص. ۱۱).

براساس یافته‌های جلسات گروه کانونی، در محله قلعه‌خیابان صاحبان برخی از مشاغل به‌واسطه اشتغال در بخش غیررسمی اقتصاد با محرومیتی مواجه می‌شوند که به جدایی از جریان اصلی محله می‌انجامد. این محرومیت‌ها عبارت‌اند از: مشارکت نکردن در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور محله، دسترسی نداشتن به فرصت‌ها و شبکه ارتباطات اجتماع محلی؛ فرایندی که در نتیجه مشارکت نکردن در فعالیت‌های امور محله و ادغام‌نشده‌گی در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی در محله، صاحبان این مشاغل را به‌طور ناخواسته دچار تعارضی رفتاری کرده است. از سوی دیگر به‌دلیل منزلت اجتماعی پایینی که این مشاغل در ذهن ساکنان محله قلعه‌خیابان دارند، آن‌ها این قشر را (صاحبان این مشاغل را) نادیده گرفته‌اند و به رسمیت نمی‌شناسند؛ به عبارت دیگر، این طرد اجتماعی در محله قلعه‌خیابان دستاورد کنش عامدانه عاملانی بیرونی است که به‌صورت فعال به‌واسطه نوع شغل مانع از مشارکت و ورود فرد به عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی محله می‌شود. کنشی که برپایه باورهای ساختاریافته در باب یک شغل به شکل‌های گوناگون در ذهنیت ساکنان این محله بر رفتار آن‌ها تأثیر می‌گذارد، برگرفته از ارزش‌های محلی، غیرقانونی بودن، نوع قومیت، تبلیغات و باورهای جنسیتی است.

دیگر یافته کیفی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تحلیل چگونگی ارتباط بین طرد اجتماعی و اشتغال در بخش غیررسمی اقتصاد، پویا و دوطرفه است؛ به‌گونه‌ای که افرادی که در جامعه شهری ادغام اقتصادی نمی‌شوند، به این محله مهاجرت می‌کنند و به‌دلیل بیکاری به اشتغال در بخش غیررسمی اقتصاد روی می‌آورند و به‌واسطه این فعالیت نیز توأمان دچار طردشدگی اجتماعی و اقتصادی در محله قلعه‌خیابان می‌شوند؛ به بیان دیگر، اشتغال در بخش غیررسمی زاده طردشدگی و سبب بازتولید طردشدگی در اجتماعی محلی می‌شود.

سلامت اجتماعی (آسیب پذیری شغلی): در جوامع امروز، سلامت اجتماعی به منزله یکی از ابعاد سلامت، در کنار سلامت جسمانی و روانی نقش گسترده ای ایفا می کند؛ به طوری که دیگر سلامتی فقط عاری بودن از بیماری های جسمی و روانی نیست؛ بلکه چگونگی عملکرد انسان در روابط اجتماعی و چگونگی تفکر وی نیز معیار ارزیابی سلامت فرد در سطح کلان جامعه به شمار می رود (روتمن، کیرستن و ویسینگ، ۲۰۰۳، ص. ۲۱۵).

از جمله عوامل تأثیرگذار بر سلامت اجتماعی، نوع اشتغال فرد است. مصاحبه با گروه کانونی این پژوهش مشخص کرد که مشاغل غیررسمی به واسطه داشتن خطرهای اجتماعی، احتمال آسیب دیدگی فیزیکی، کمی حقوق و مزایا، ناامنی شغلی، نبود حمایت بیمه ای و سازمانی و... با آسیب رساندن به سلامت جسمی، روحی، روانی و اجتماعی فرد را دچار تضاد و تناقض در نقش های اجتماعی در محله می کنند و عملکرد اجتماعی و روابط اجتماعی او را با دیگر ساکنان محله مخدوش می کنند. چنین شخصی با انطباق نیافتن با اجزای جامعه محلی، توانایی تعامل مؤثر با دیگران به منظور ایجاد روابطی با هدف ایفای نقش های اجتماعی ندارد و نمی تواند با مشارکت با سایر افراد محله، ضمن ایجاد زندگی سازگار با سایر ساکنان، روابط مثبت متکی به دیگر افراد جامعه و داشتن روابط سالم را بنا کند.

ناپایداری شغلی (ریسک شغلی): دیگر یافته های کیفی پژوهش حاضر نشان می دهد که ناپایداری شغلی یکی از متغیرهای جامعه شناختی مشاغل بخش غیررسمی اقتصاد در محله قلعه خیابان به شمار می آید. مشاغل غیررسمی به واسطه سهولت ورود به آنها و خروج از آنها، فقدان قوانین استاندارد مکتوب، کارهای کوتاه مدت و همچنین مکفی نبودن درآمد، نداشتن بیمه و قرارداد رسمی، بیشتر از مشاغل رسمی دچار ناپایداری هستند که این امر بر احساس امنیت شغلی دارندگان این مشاغل نیز مؤثر است. نتایج پژوهش بارون (۲۰۰۲) نیز مبین این واقعیت است.

خاص‌گرایی شغلی: مصاحبه با گروه کانونی و مطالعات میدانی پژوهشگر نشان می‌دهد که برخی از مشاغل غیررسمی شناسایی شده در محله قلعه‌خیابان، تنها به یک گروه نژادی، مذهبی یا قومی خاص اختصاص دارند و سایر اعضای جامعه کمتر قادر هستند در آن مشاغل امرار معاش کنند. نپذیرفتن برخی مشاغل به دلیل منزلت شغلی پایین آن‌ها در ذهنیت افراد محله قلعه‌خیابان، نیاز به داشتن مهارتی خاص برای انجام‌دادن آن‌ها و تقاضای قومیت‌محور آن‌هاست. این خاص‌گرایی سبب کوچک‌شدن مقیاس عملکردی آن مشاغل می‌شود که ساماندهی و رسمیت‌بخشی این دسته از مشاغل را با چالش مواجه می‌کند.

احساس بی‌قدرتی: مفهوم «بی‌قدرتی» را نخستین بار کارل مارکس در نظریه بیگانگی-اش به کار برد. سپس اندیشمندانی نظیر مزاروس، فروم، سیمن، میلز و دیگران آن را توسعه داده‌اند (واعظی و رهبر، ۱۳۹۵). در این پژوهش احساس بی‌قدرتی به مفهوم احساس فردی است که قادر به نفوذ بر جریان‌ات و امور نیست. یافته‌های کیفی برمبنای مصاحبه با گروه کانونی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که افراد به‌واسطه داشتن مشاغل غیررسمی و تأثیر متغیرهایی همچون ناپایداری شغلی، احساس توانمندی و احساس تحرکات فردی، به میزان متفاوت احساس توانایی تأثیرگذاری بر جریان امور یعنی قدرت دارند؛ به طوری که در این حالت فرد از خود بیگانه می‌شود؛ زیرا احساس می‌کند در وضعیت اجتماعی که در آن قرار دارد، بر آن کنش متقابل نمی‌تواند تأثیر بگذارد و قدرت کافی برای مهار رویدادهای محلی را ندارد.

در ادامه این پژوهش، نتایج مصاحبه با گروه کانونی و کمیت ارائه‌شده برای هر شغل، با استفاده از روش آماری تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی، به مشاغل اقتصاد غیررسمی و مشاغل شبه‌رسمی طبقه‌بندی شد. این گونه‌شناسی برخلاف گونه‌شناسی‌های ارائه‌شده از اقتصاد غیررسمی توسط صاحب‌نظران از جمله فایگ، توماس، چرن، گیلز، گویمای و وان است که به صورت کاملاً کیفی هر یک از مشاغل را در مقایسه با شغل دیگر ارزیابی جامعه‌شناختی کرده‌اند.

در انتهای پژوهش در راستای تحلیل جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی، با استفاده از تلفیق یافته‌های روش تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل خوشه‌ای گونه‌شناسی نوینی از مشاغل غیررسمی شناسایی شده که قدرت ارزیابی کیفیت مشاغل غیررسمی اقتصاد در محله قلعه خیابان را داراست. این گونه‌شناسی برخلاف گونه‌شناسی‌های ارائه‌شده از اقتصاد غیررسمی توسط صاحب‌نظران از جمله فایگ (شامل غیرقانونی، گزارش نشده، ثبت نشده، غیررسمی)، توماس (شامل خانوار، غیررسمی، نامنظم، غیرقانونی)، چرن (شامل مزدبگیر، خوداشتغال)؛ گیلز (شامل قانونی، غیرقانونی)، گویمای و وان دفن (شامل تولید غیرقانونی، تولید بخش غیررسمی، تولید زیرزمینی، تولید زیرزمینی و مخفی)، به صورت کاملاً کیفی هریک از مشاغل را در مقایسه با شغل دیگر ارزیابی جامعه‌شناختی می‌کند.

در ادامه پیشنهادهایی کاربردی برآمده از نتایج تحقیق ارائه می‌شود.

مشاغل غیررسمی بر پایه استراتژی بقا در محلات حاشیه شهر شکل گرفته‌اند؛ بنابراین هر نوع برخورد قهری با صاحبان این مشاغل می‌تواند حیات این افراد را با خطر مواجه کند؛ یافته‌های تحقیق حاضر درباره مشاغل شبه‌رسمی، بهترین فرصت رسمیت‌بخشی به مشاغل را برای نهادهای متولی می‌تواند مهیا کند؛

برای رهایی از اقتصاد غیررسمی باید مهارت‌افزایی را به‌ویژه در زنان به‌منظور رهایی یافتن از شغل‌های غیررسمی به‌سوی شغل‌های شبه‌رسمی در پیش گرفت؛

مدیریت شهری قبل از اجرای هر سیاستی تأثیرات احتمالی آن سیاست را بر گسترش مناطق حاشیه‌ای بسنجد.

کتاب‌نامه

۱. احمدی، و.، و حامد، ب. (۱۳۹۹). مطالعه جامعه‌شناختی مشاغل غیررسمی در مناطق محروم شهر کرمانشاه. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۱(۲)، ۱۶۷-۱۹۹.
۲. استروس، ا.، و کرین، ج. (۱۳۸۵). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها* (ب. محمدی، مترجم). تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. آفاجری، س. ج.، زراءزاد، م.، و اکبرزاده، م. ه. (۱۳۹۷). بررسی اثر اقتصاد زیرزمینی بر توسعه اجتماعی در منتخبی از کشورهای خاورمیانه. *فصلنامه توسعه اجتماعی*، ۲(۲)، ۱۹۵-۲۱۸.
۴. آمارنامه اطلس محلات شهر مشهد. (۱۴۰۰). مشهد: معاونت برنامه‌ریزی شهرداری مشهد.
۵. جعفری مهرآبادی، م.، و محمدزاده، ر. (۱۳۹۴). ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی زنان شاغل در بخش غیررسمی (مطالعه موردی: منطقه ۲ شهر رشت). *فصلنامه علمی و پژوهشی آمایش محیط*، ۳۷(۳)، ۹۹-۱۲۱.
۶. جوادی یگانه، م. (۱۳۸۷). رویکرد جامعه‌شناسانه نظریه انتخاب عقلانی. تهران. *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، ۳(۱)، ۶۴-۳۳.
۷. حمیدیان، ا.، زاهدی، م. ج.، ملکی، ا.، و انصاری، ا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و طرد اجتماعی گروه‌ها در کلان‌شهر اصفهان. *دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۶(۱)، ۳۲-۱.
۸. خانزادی، آ.، دل‌انگیزان، س.، و منوچهری، ت. (۱۳۹۹). برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی در استان کرمانشاه. *فصلنامه علمی دانش انتظامی کرمانشاه*، ۱۰(۲)، ۱۹-۵۴.
۹. شریفی پستیچی، م.، جوان، ج.، شایان، ح.، و رهنما، م. ر. (۱۳۹۴). تحلیل علل جمعیت‌پذیری روستاهای حریم مادرشهرها با استفاده از تحلیل عاملی (مطالعه موردی: قلعه‌خیابان مشهد). *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۴(۱)، ۱۵-۲۸.
۱۰. شوهانی، ن.، شوهانی، م.، و شوهانی، س. (۱۳۹۸). تحلیل نقش مهاجرت (روستا-شهر) در شکل‌گیری و گسترش مشاغل غیررسمی در شهر ایلام. *فصلنامه علمی فرهنگ ایلام*، ۲۰(۶۴ و ۶۵)، ۱۲۰-۱۴۹.

۱۱. صدرموسوی، م. س.، پورمحمدی، م. ر.، و ظفری، د. (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل نقش مهاجرت روستایی در ایجاد بخش غیررسمی: مطالعه موردی کلان شهر تبریز. نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۷(۲۵)، ۲۳-۴۲.
۱۲. ظفری، د.، صدرموسوی، م. س.، و پورمحمدی، م. ر. (۱۳۹۷). بررسی جایگاه شاغلان بخش غیررسمی در پایداری اقتصاد شهری (مطالعه موردی: کلان شهر تبریز). پژوهش های جغرافیای انسانی، ۵۰(۳)، ۶۴۳-۶۵۹.
۱۳. فلیک، ا. (۱۳۸۸). درآمدی بر روش تحقیق کیفی (ه. جلیلی، مترجم). تهران: نشر نی.
۱۴. کریمی موغاری، ز.، زروکی، ش.، و زریان، احمدی (۱۳۹۷). محاسبه و تحلیل ساختار اشتغال غیررسمی در مناطق شهری استان کردستان. فصلنامه اقتصاد کاربری، ۸(۲۶)، ۱-۱۵.
۱۵. کلاکی، ح.، و دوستدار، ر. (۱۳۸۸). بررسی منزلت شغلی و اجتماعی پلیس ایران و عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ۴(۲)، ۲۲۸-۲۵۰.
۱۶. لوح فشرده آمارنامه حاشیه شهر مشهد. مشهد: مدیریت توسعه و پژوهش شهرداری مشهد.
۱۷. مطلبی، م.، عزیزاده، م.، و فرجی دیزجی، س. (۱۳۹۸). برآورد اقتصاد سایه و فرار مالیاتی با استفاده از متغیرهای انضباط مالی دولت. فصلنامه اقتصاد مقداری، ۱۶(۴)، ۶۹-۱۰۰.
۱۸. نادران، ا.، و صدیقی، ح. (۱۳۸۷). بررسی اثر مالیات ها و اجزای آن بر حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران. مجله تحقیقات اقتصادی، ۴(۴)، ۲۵۷-۲۸۲.
۱۹. نسترن، م.، ربیعی، ک.، و عبدخدا، ک. (۱۳۹۸). بررسی اثرات اشتغال غیررسمی بر پایداری اجتماعی (نمونه موردی شهر بانه). فصلنامه برنامه ریزی رفاه توسعه اجتماعی، ۳۷(۳)، ۸۹-۱۲۲.
۲۰. نقدی، ا. ا.، رویین تن، م.، حقیریان، ش.، شاهرخ، ع.، و خانین، م. (۱۴۰۰). مطالعه گونه شناسی چالش های حاشیه نشینی و بازی های حاشیه نشینان با سیاست های شهری (مورد مطالعه: شهر ساوه). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۰(۱)، ۲۴۳-۲۷۵.
۲۱. واعظی، س. ک.، و رهبر، ر. (۱۳۹۵). بررسی اهمیت میانجی مؤلفه احساس بی قدرتی در میزان تأثیر ادارک از پاسخ گویی بر رفتار مشارکتی دانشجویان. نشریه مدیریت دولتی، ۸(۱)، ۱۱۳-۱۳۶.

22. Bangasser, P. (2000). *The ILO and the informal sector: An institutional history*. ILO Employment Paper, Retrieved from www.ilo.org/public/english/employment/strat/publ/ep00-9.htm
23. Barron, L., & Gauntlett, E., (2002). *Housing and sustainable communities indicators project*. Stage 1 report – Model of social sustainability. Retrieved from http://wacoss.org.au/images/assets/SP_Sustainability/HSCIP%20Stage%201%20Report.pdf
24. Black Burn, K., Bose, N., & Capasso, S. (2014). Tax evasion, the underground economy and financial development. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 83, 243-253.
25. Daniles, P. W. (2004). Urban challenges: The formal and informal economics in mega – cities, *Cities*, 21(6), 501-511.
26. Darity, Jr. W. A. (2008). *International encyclopedia of the social sciences* (2nd ed). USA: Macmillan Reference.
27. Dell'Anno, R. (2009). Institutions and human development in the Latin American informal economy. *Constitutional Political Economy*, 21(3), 207-230.
28. Fige, E. L. (1997). *Revised estimates of the underground economy: Implications of US currency held abroad*. MPRA Paper 13805, University Library of Munich, Germany.
29. Hendly, A., Arabsheibani, G. R., & Carneiro, F. G. (2009). On defining and measuring the informal sector, evidence from Brazil. *World Development*, 37(5), 992-1003.
30. Medina, L., & Schneider, F. (2017). *Shadow economies around the world: New results for 158 countries over 1991-2015*. CESifo Working Paper No. 6430. Retrieved from EconStor: Shadow Economies around the World: New Results for 158 Countries over 1991-2015
31. Patton, M. Q. (2001). *Qualitative research & evaluation methods: Integrating theory and practice* (4th Ed.). Saint Paul: Sage.
32. Perprah, V., Buor, D., Forkour, D., & Sanchez-Moral, S. (2019). Characteristics of informal sector activities and challenges faced by women in Kumasi Metropolis, Ghana. *Cogent Social Science*, 1(5), 1656383.
33. Roothman, B., Kirsten, D. K., & Wissing, M. P. (2003). Gender differences in aspects of psychological well-being. *South African Journal of Psychology*, 33, 202-218.
34. Schneider, F., & Kearney, A. T. (2013). *The shadow economy in Europe*. Johannes Kepler Universitat, Linz, Australia.
35. Schneider, F., & Medina, L. (2018). Shadow economies around the world: What did we learn over the last 20 years? *IMF Working Paper*, (17), 1-16.
36. Thomas, J. J. (1992). *Informal economic activity*. LSE, Handbooks in Economics. London: Harvester Wheatsheaf.

37. Williams, C. C., & Windebank, J. (1998). *Informal employment in the advanced economics*. London: Routledge.

